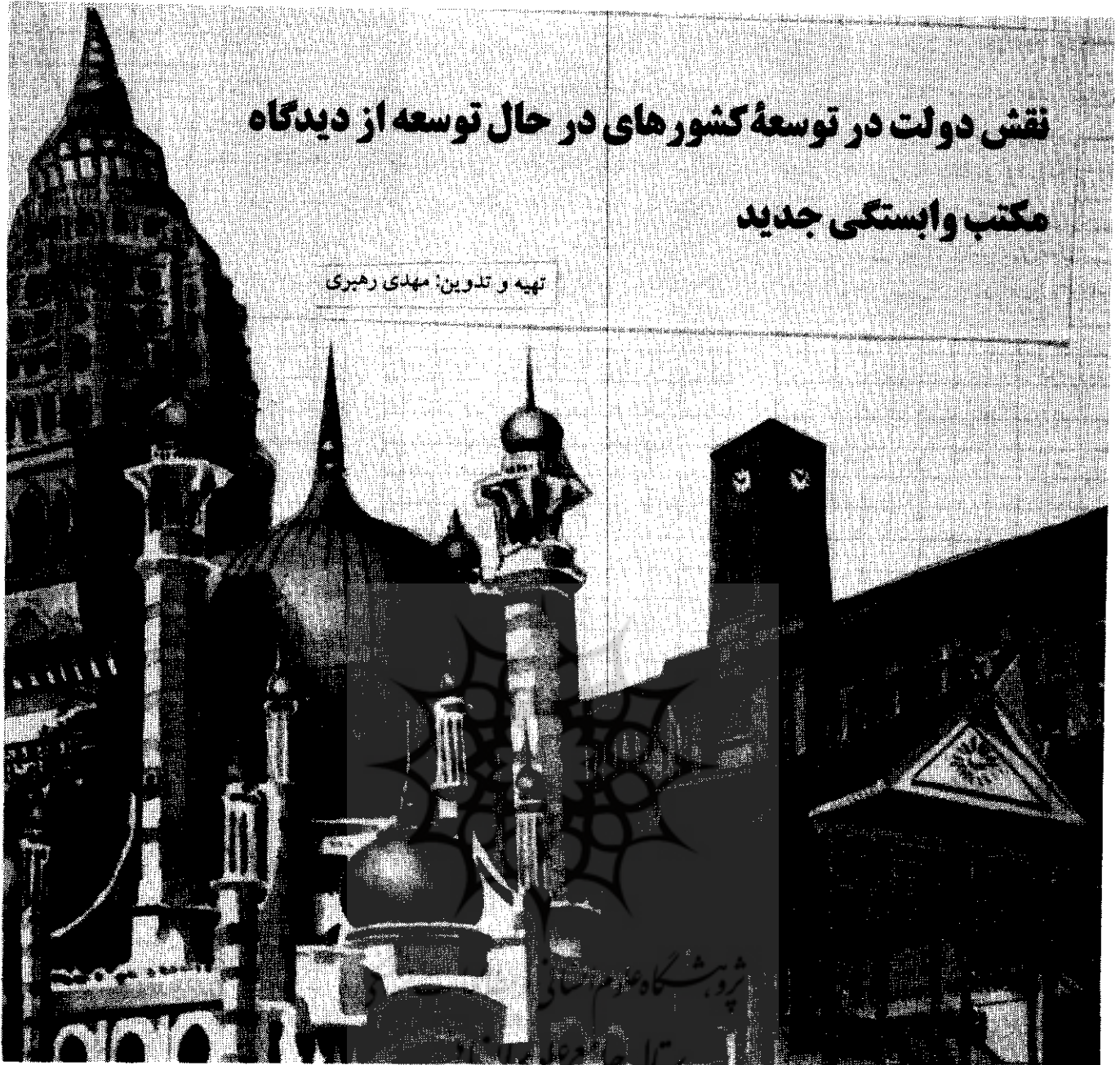


نقش دولت در توسعه کشورهای در حال توسعه از دیدگاه

مکتب وابستگی جدید

تهیه و تدوین: مهدی رهبری



چکیده:

بیش از هر کسی، این پیروان مکتب وابستگی جدید بوده‌اند که روند توسعه اقتصادی این کشورها را بررسی نموده و چنین روندی را برای سایر کشورهای جهان سوم نیز تجویز می‌کنند. بنابراین، هدف مقاله حاضر این است که با ذکر دلایل اساسی این مکتب درباره توسعه، روند توسعه اقتصادی و سپس سیاسی کشورهای مذکور را توضیح دهد.

مشکلات برهاند، بلکه با اتخاذ سیاست مسالمت‌آمیز خارجی، توانستند بیشترین بهره را از تضاد دو ابرقدرت (آمریکا و شوروی) گرفته و کشورشان را در مسیری که سرانجام منجر به توسعه عظیم اقتصادی شده است، پیش ببرند؛ توسعه‌ای که امروزه این کشورها را تبدیل به کشورهای بزرگ تولیدکننده و صادرکننده ماشین‌آلات، مواد پتروشیمی و ... نموده است.

ما امروزه شاهد توسعه اقتصادی و تا حدودی توسعه سیاسی کشورهای جنوب شرقی آسیا یعنی اندونزی، مالزی، سنگاپور و کره جنوبی و کشورهای آمریکای لاتین مانند برزیل و آرژانتین می‌باشیم که توانستند با وجود مشکلات بزرگ سیاسی در داخل و خارج، دست به اقدامات چشمگیر در زمینه‌های مختلف، به خصوص اقتصادی زده و نه تنها کشور را در مدت کوتاهی از این

مقدمه:

بر خلاف بسیاری از نظریات مربوط به توسعه اقتصادی جهان سوم که حاصل تحقیقات محققان غربی می‌باشد، بررسیهای مربوط به مکتب وابستگی (قدیم و جدید)، ریشه در کار محققان کشورهای جهان سوم دارد. رهیافت وابستگی قدیم، در واقع واکنشی در قبال بحران نظریات مارکسیسم ارتدوکس در کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۱۹۶۰ بود. از دیدگاه مارکسیسم ارتدوکس، کشورهای آمریکای لاتین، قبل از تحقق انقلاب پرولتاریایی، باید از مرحله انقلاب صنعتی بورژوازی عبور می‌کردند؛ ولی تجربه چین و کوبا به آنها نشان داد که می‌توان بدون گذار از انقلاب بورژوازی، وارد مرحله انقلاب سوسیالیستی شد.^(۱) پیروان مکتب وابستگی قدیم، درصددند که پیوند میان کشورهای جهان سوم و غرب را به صورت روابط استثمارگونه اقتصادی که از خارج به جوامع جهان سوم تحمیل می‌شود و با آهنگ توسعه هماهنگی ندارد، توصیف کنند. بر اساس این دیدگاه، کشورهای جهان سوم برای کسب توسعه، بدون هیچ‌گونه وابستگی باید در روابط خود با کشورهای غربی تجدید نظر کرده و درصدد برپایی دولتی سوسیالیستی برآیند. از این رو، وظیفه دولت در جهان سوم از نظرگاه وابستگی قدیم، اجرای اصول سوسیالیسم، یعنی کنترل دولت بر اقتصاد، تقویت بورژوازی ملی و مبارزه با امپریالیسم و حتی المقدور قطع رابطه با غرب است.

رهیافت جدید وابستگی که در واکنش نسبت به انتقادات وارده به دیدگاه قدیمی وابستگی پدید آمد؛ اگر چه مانند آن تمرکز تحقیق خود را جهان سوم قرار می‌دهد اما برخلاف دیدگاه قدیمی که وابستگی را فرایندی عمومی، خارجی و اقتصادی می‌داند، آن را به صورت فرایندی اجتماعی - اقتصادی و داخلی دانسته که منجر به ایجاد توسعه‌ای پویا و همه جانبه می‌گردد، از این رو تنبیری دیگر از وابستگی ارائه می‌دهد.^(۲)

● به منظور ایجاد توسعه‌ای پویا و همه جانبه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، دیدگاه جدید وابستگی، بر دولتی مقتدر تکیه می‌زند که این دولت دیگر دولتی وابسته به کشورهای خارجی نیست بلکه دولتی فعال و خیرخواه است که هدف آن پیشبرد توسعه اقتصادی از طریق شیوه‌های اقتدارگرایانه می‌باشد.

به منظور ایجاد توسعه‌ای پویا و همه جانبه اقتصادی در کشورهای جهان سوم، دیدگاه جدید وابستگی بر دولتی مقتدر تکیه می‌زند که این دولت دیگر دولتی وابسته به کشورهای خارجی نیست بلکه دولتی فعال و خیرخواه می‌باشد که هدف آن پیشبرد توسعه اقتصادی از طریق شیوه‌های اقتدار گرایانه می‌باشند. دولتی که بتواند با ایجاد اتحاد سه‌گانه بین سرمایه دولتی، سرمایه محلی و سرمایه بین‌المللی زمینه انباشت سرمایه و توسعه صنعتی را فراهم آورد. دولت مورد نظر محققان دیدگاه جدید

وابستگی، همان دولت اقتدارگرای بوروکراتیک (یا دیکتاتوری مصلح) می‌باشد^(۳) که در دهه ۱۹۶۰، ابتدا در برزیل و سپس در آرژانتین، شیلی، اروگوئه، تایوان، اندونزی، مالزی و کره جنوبی شکل گرفته است. بنابراین، وابستگی از دیدگاه وابستگی جدید، برخلاف دیدگاه قدیمی وابستگی، به دولتهای خارجی نیست بلکه وابسته بودن به سرمایه‌های کلان بین‌المللی است که می‌تواند به توسعه منجر گردد.

ویژگیهای دولت اقتدارگرای - بوروکراتیک:

دولت اقتدارگرای - بوروکراتیک، اولین بار توسط کاردوزو و اودانل، نظریه پردازان مکتب وابستگی جدید، مطرح می‌شود که به سرعت از سوی برخی نظریه پردازان جدیدتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. اودانل عنوان می‌کند که دولت اقتدارگرای - بوروکراتیک برخلاف رژیمهای اقتدارگرای سنتی و فاشیسم حاوی برخی خصوصیات زیر می‌باشند که آن را از دولتهای مذکور متمایز می‌سازد:^(۴)

۱- حاکمیت دیوانسالاران: این دیوانسالاران که به خصوص نظامیان را شامل می‌شود، توانستند پستهای عالی حکومتی را در اختیار خود گرفته و هدف آنها چیزی جز توسعه اقتصادی کشور نیست. آنها در درجه اول توسعه اقتصادی را مقدم بر هر چیزی می‌دانند و توسعه در جنبه‌های دیگر را از قبیل سیاسی و فرهنگی، در درجه‌های بعدی قرار می‌دهند. در این مورد می‌توان دولتهای نظامی جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین را یادآور شد که همه آنها طی کودتای نظامی، توانستند قدرت را به زور در دست گرفته و نظامیان را

بر کشور حاکم گردانند. اما برخی مانند آرژانتین و برزیل اگر چه نظامیان طی کودتا، رژیم سابق را ساقط نمودند، اما بعد از مدتی حکومت را به غیر نظامیان سیاستمدار واگذار نمودند اما خود همچنان بعنوان یکی از مهمترین تصمیم‌گیرندگان سیاسی باقی ماندند.^(۵)

۲- انحصار سیاسی: در این دولتها، قدرت به صورت مطلقه در دست دیوانسالاران قرار دارد و از طریق سرکوب یا اعمال کنترلهای عمودی، مجاری دسترسی عمومی به خصوص اتحادیه‌ها و احزاب کارگری مخالف را به سیاست می‌بندند. این دولتها همان‌گونه که گفته شد، تنها احزاب مخالف سرمایه‌داری و دولت توسعه‌گرا را سرکوب کرده ولی اجازه مشارکت سیاسی را به گروههای موافق مانند روشنفکران، کارگران و احزاب موافق می‌دهند. بنابراین نباید تصور کرد که در این‌گونه دولتها همچون دولت اقتدارگرایی ستی و فاشیسم، احزاب آزاد نیستند، بلکه در کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین، بسیاری از احزاب و گروههای سیاسی وجود دارند که خود در جهت کمک به دولت برای موفقیت در توسعه کشور، اقدام می‌کنند.

۳- انحصار اقتصادی: در زمینه تصمیم‌گیریهایی اقتصادی، چنین دولتی قدرت بالایی داشته و اجازه تغییر تصمیم خود را از سوی نیروهای اجتماعی نمی‌دهد. در کشورهای مذکور، دولت تنها تصمیم‌گیرنده در زمینه اقتصادی است و به شدت از سرمایه‌های داخلی و بین‌المللی حمایت کرده و مانع آسیب رساندن به چنین سرمایه‌گذاریهایی می‌گردد. دولت کاملاً طرفدار سرمایه‌های خصوصی بوده و از هر گونه مشارکت مردمی در اقتصاد که به این

ساختار اقتصادی آسیب برساند، ممانعت به عمل می‌آورد.^(۶)

۴- سیاست زدایی: هدف دولت در مراحل اولیه، توسعه سیاسی نیست بلکه اقتصادی است. بنابراین هر چه بیشتر سعی در سیاست زدایی داشته و بیشتر توجه خود را به مسایل صنعتی و تکنولوژی معطوف می‌دارد. ۵- تعمیق سرمایه‌داری وابسته: این تعمیق در کشورهای جهان سوم با ایجاد اتحاد سه‌گانه بین سرمایه‌های دولتی، محلی و بین‌المللی صورت می‌گیرد. کشورهای جنوب شرق آسیا و برخی کشورهای آمریکای لاتین کاملاً در این مسیر قدم گذارند.

● با ورود سرمایه‌های خصوصی و ملی به عرصه اقتصاد، دولت می‌تواند مشروعیت مردمی و وجهه ملی کسب کند.

وظایف و عملکرد دولت اقتدارگرایی بوروکراتیک:

دولت اقتدارگرایی - بوروکراتیک که در واکنش به بحرانهای اقتصادی - سیاسی سرمایه‌داری وابسته در آمریکای لاتین در دوره پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد، پس از مواجه گشتن با بحرانهای عظیم اقتصادی و شکست راه‌حلهایی نظیر سیاست جایگزینی واردات به علل مشکلات تراز پرداختها، تورم، باز توزیع منفی درآمد، افول تولید ناخالص ملی و نرخهای سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه و از همه مهمتر کمبود سرمایه داخلی، استراتژی «تعمیق صنعتی شدن» را به عنوان راه‌حلی جهت استقلال از واردات کالاهای اساسی

خارجی اتخاذ نمود. هدف استراتژی تعمیق، تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مانند محصولات پتروشیمی، اتومبیل، تجهیزات، ماشینها و تکنولوژی بود که می‌توانست به افزایش صادرات انجامیده و با قطع واردات تکنولوژی، مشکلات تراز پرداختها را نیز کاهش دهد.^(۷) از آنجا که سرمایه بین‌المللی شرط لازم و ضروری فرایند تعمیق است، نخبگان نظامی دیوانسالار در کشورهای جهان سوم می‌دانستند که برای اجرای سیاست تعمیق، می‌باید دولتی نظامی و دیوانسالار تأسیس کنند تا بتواند آرامش اجتماعی لازم را برای سرمایه‌گذاری خارجی بزرگ فراهم سازد.

سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای، در مقایسه با سرمایه‌گذاری در کالاهای مصرفی، به یک دوره رشد طولانی‌تر، تکنولوژی بالاتر، مدیریت سازمانی بیشتر و سرمایه‌گذاریهای بسیار بزرگتری نیاز دارد و هیچ سرمایه‌گذاری راغب نیست که به چنین سرمایه‌گذاری عظیم، دراز مدت و پرخطری دست بزند مگر اینکه نسبت به شرایط آینده و سودآوری آن درجه اطمینان بالایی داشته باشد. بنابراین، اولین اقدام، از بین بردن تهدیدهای سیاسی ناشی از فعال شدن بخش مردمی، تبدیل سازمانهای کارگری در سطح کارخانجات به بازوی دولت، ممنوعیت اعتصابات، توقف انتخابات دوره‌ای و نظایر آن می‌باشد تا محیط امنی را برای سرمایه‌گذاری خارجی و پیشبرد اهداف اقتصادی فراهم آورد. این مرحله را «اودانل» مرحله استحکام نام می‌نهد. بعد از استحکام جایگاه شرکتهای چند ملیتی، دولت مذکور دوباره فضا را برای فعالیت سرمایه‌داری ملی و سرمایه دولتی فراهم

می‌کند. بنابراین اتحاد مثلث شکلی از سرمایه بین‌المللی، سرمایه محلی و دولت تشکیل می‌شود. با ورود سرمایه‌های خصوصی و ملی به عرصه اقتصاد، دولت می‌تواند مشروعیت مردمی و وجهه ملی کسب کند. اما دولت به منظور تقویت و

حمایت سرمایه‌داری ملی، سوسیدها را دوباره برقرار کرده و حوزه‌های اختصاصی‌ای را برای آن در نظر می‌گیرد که از دسترسی مستقیم سرمایه بین‌المللی مصون باشد.^(۸)

بعد از اینکه دولت اقتدارگرا، قدرت خود و سرمایه‌های بین‌المللی را استحکام بخشید، دوباره سیاست‌های ملی‌گرایانه در پیش گرفته و ترتیبات ورود مجدد سرمایه‌داری ملی را فراهم می‌سازد، و به این ترتیب با رسیدن به درجه‌ای از توسعه اقتصادی و تضمین آینده اتحاد سه‌گانه، دوباره آزادی‌های سیاسی را برقرار می‌سازد.

● یک دولت دیوانسالاری اقتدارگرای موفق، قابلیت این را دارد که خود را به یک دولت مردم‌سالار تبدیل سازد.

این دولت، قدرت چانه‌زنی بیشتری در مقابل بخش مردمی در اختیار دارد؛ حتی می‌تواند در یک انتخاب مردم‌سالار بر رقبای خود غلبه کند. بنابراین یک دولت دیوانسالار اقتدارگرای موفق قابلیت این را دارد که خود را به یک دولت مردم‌سالار تبدیل سازد. اما قبل از آن باید توجه داشت که دولت با دست یافتن به حدی از رشد اقتصادی به صورت تدریجی، آزادی‌های سیاسی را به جامعه اعطاء می‌کند، نه به صورت ناگهانی و یکجا تا متحمل بحرانی عظیم نگردد.

● دولت با دست یافتن به حدی از رشد اقتصادی به صورت تدریجی آزادی‌های سیاسی را به جامعه اعطاء می‌کند.

نتیجه‌گیری:

مدلهای ارایه شده از سوی محققان وابستگی جدید را می‌توان در مورد تجربه توسعه اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا بکار گرفت. توسعه اقتصادی این کشورها، کاملاً با مدل‌های ارایه شده از سوی محققان وابستگی جدید هماهنگی داشته و همان مراحل را طی نموده است. این محققان هر یک با بررسی یکی از این کشورها مراحل توسعه و رشد اقتصادی آنها را با استفاده از الگوی دولت اقتدارگرای بوروکراتیک شرح داده‌اند. «کاردوزو» و «اودانل» به موفقیت نخبگان نظامی برزیل در اواخر دهه ۱۹۶۰ در برقراری اتحاد سه‌گانه اشاره می‌کنند. در حالی که «ایوانس» درباره همان دولت در دهه ۱۹۸۰ و در جریان دوره بی‌ثباتی اقتصادی و اعتراضات عمومی می‌نویسد که در سر پا نگه داشتن این اتحاد از قدرت مانور بسیار کمتری برخوردار بود. نظریات گلد راجع به نابوان نشان دهنده آن است که این کشور در مقایسه با برزیل، در پاسخ به بحرانی‌های سیاسی (جنبشهای دانشجویی و عدم راهیابی به سازمان ملل) و بحرانی‌های اقتصادی (بحران نفت) در دهه ۱۹۷۰، بسیار خوب عمل کرده است. تایوان نه تنها سیاست تعمیق صنعتی را به انجام رسانید بلکه درجه بالایی از آزادسازی سیاست را در دهه ۱۹۸۰ تجربه نمود.

بنابراین، با توجه به پیشرفتهای کنونی کشورهای آمریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا مانند تایوان، کره جنوبی، اندونزی، سنگاپور و مالزی در بخش صنعتی، می‌توان آن را نتیجه سلطه سیاسی دولت اقتدارگرای بوروکراتیک و یا نتیجه دیکتاتوری توسعه اقتصادی و یا دیکتاتوری مصلح دانست. دولتی که با یک دست آهنین، توسعه اقتصادی را به پیش راند و با دستی دیگر جلوی توسعه را گرفت و آن را متوقف ساخت. این دولت اگرچه در پیمودن راه توسعه و مسیر آن با مشکلات مالی و سیاسی عظیمی چه در داخل و چه در خارج مواجه گشته و حتی وجود آن را به خطر انداخت ولی توانست با اتکاء به همان مشت آهنین قدرت، نیروهای نظامی و امنیتی قدرتمند و حمایت جهان سرمایه‌داری از آن، از بحرانهای مذکور خلاصی جسته و کشور را به حدی از توسعه اقتصادی برساند که هم اکنون با خیال راحت توسعه سیاسی را شروع کند. دولتی که نه تنها مشکلات داخلی خود را اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، با موفقیت پشت سر می‌گذارد بلکه جهانیان را به خاطر موفقیت‌هایش به خصوص در زمینه اقتصادی به حیرت وادارد.

در پایان می‌توان با ارایه جدولی از تولیدات صنعتی دو کشور اندونزی و برزیل و مقایسه تولیدات آنها در فواصل کوتاه مدت، نموداری از رشد و توسعه اقتصادی آنها را در این سالها ترسیم نمود. □

منابع و مآخذ در صفحه ۳۰



اندونزی: بعضی تولیدات عمده در بخش صنعت

سال ۱۹۹۱	سال ۱۹۸۹		
میلیارد متر	۵/۰۳	۴/۴۹	پارچه
میلیون تن	۲	۱/۵	شمش آهن
میلیون تن	۱/۳۹	۱	میله گرد فولادی
دستگاه	۲۴۷۰۰۰	۱۷۴۰۰۰	موتناژ اتومبیل
هزار تن	۴۷	۲۸	آلومینیوم
میلیون تن	۱۵/۷	۱۴/۱	سیمان
میلیون تن	۵/۳۱	۴/۸	کود شیمیایی
میلیون تن	۱/۳۹	۱/۱۴	کاغذ
میلیون حلقه	۱۴/۵	۱۲/۷	لاستیک اتومبیل و موتور سیکلت

با توجه به جدول فوق می‌توان مشاهده نمود که در عرض دو سال چگونه تولیدات این کشور افزایش داشته است.

تولیدات صنعتی برزیل

سال ۱۹۸۷	سال ۱۹۸۵	تولیدات
۱/۲۶۳	۹۸۶	آسفالت
۲۰۹/۰۲۶	۱۸۷/۱۱۱	نیروی برق
۲/۴۴۹	۶/۲۴۰	پوکه زغال سنگ
۲۱/۳۳۵	۱۸/۹۶۱	آهن
۲۲/۲۲۸	۲۰/۴۵۰	فولاد خام
۲۵/۴۷۰	۲۰/۶۳۵	سیمان
۲۵۱/۵۴۷	۲۶۵/۹۴۰	لاستیک مصنوعی
۶۸۳/۳۰۸	۷۵۸/۹۵۸	اتومبیل سواری
۵۳/۹۰۴	۴۸/۸۵۰	تراکتور
۲۰۸	۲۰۸	کاغذ روزنامه

با توجه به جدول مذکور می‌توان شاهد افزایش برخی تولیدات صنعتی برزیل در طول دو سال بود.